

نویسنده: اشلی سمت (Ashley Smith) .
منبع و تاریخ نشر: کوئترپانچ «2021-11-23» .
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

پنج بحران سرمایه داری: چالش های پیش روی چپ امروز

*Five Crises of Capitalism: The Challenges Facing the
Left Today*



Photograph Source: [Alphab.fr](https://www.alphab.fr/) – [CC BY 2.0](https://creativecommons.org/licenses/by/2.0/)

ما وارد دوران بحران شده ایم. این بحران ها ریشه در سرمایه داری دارند و تمام پویایی های ایدئولوژیک، اقتصادی و اجتماعی را در سراسر جهان شکل خواهند داد. آن ها یعنی این بحران هامشروعیت احزاب مستقر را تضعیف کرده اند، موجی از مبارزات را در سراسر جهان به راه انداخته اند از این که خواستار تغییر سیستمی هستند، و باعث دو قطبی سازی عمیق سیاسی شده اند و فرصت هایی را برای یک راست افراطی جدید و یک چپ جدید باز کرده اند. سوسیالیست ها باید ماهیت این دوران را درک کنند، اگر می خواهیم در ترکیب مجدد چپ انقلابی، انسجام یک اقلیت مبارز جدید، با سازی زیرساخت های سازمانی مخالف و مقاومت، و ساخت احزاب سوسیالیستی جدید نقشی ایفا کنیم.

رکود طولانی :

در این دوره جدید چندین بحران متقابل وجود دارد. کتاب مقدس فقط از چهار سوارکار آخرالزمان که عبارت: از طاعون، جنگ، قحطی و مرگ است یا داوری کرده است. اما امروز سوارکار پنجم نیز قد افراشته است که عبارت از اولین مورد بحران اقتصادی جهانی است. رکود بزرگ سال 2008 به رونق طولانی نئولیبرالی پایان داد، که در اوایل دهه 1980 آغاز شد و باعث شد که دیوید مک نالی آنرا "رکود جهانی" و مایکل رابرتز آنرا "رکود طولانی مدت" می نامد.

این شرایط اقتصادی با چرخه ای از رکودهای شدید و بهبود ضعیف که ریشه در کاهش سودآوری در سرتاسر سرمایه داری جهانی دارد، مشخص می شود. این سیستم با سرمایه بیش از حد انباشته مسدود شده است که نمی تواند راههای خروجی برای سرمایه گذاری سودآور پیدا کند.

به جای آن، سرمایه درگیر باز خرید سهام، سرمایه گذاری سفته بازانه، و ادغام و تملک می شود. علاوه بر این، تخمین زده می شود که (20 درصد از شرکت های آمریکایی به اصطلاح زامبی «بی زبان و بی اراده» هستند، آنقدر زیان آور و غیر رقابتی هستند که فقط برای پرداخت سود بدهی خود باید وام بگیرید.

تلاش های طبقه حاکم برای بازگرداندن سودآوری از طریق ریاضت های نئولیبرالی برای کارگران، و محرک ها و پول ارزان برای شرکت ها، پس از رکود بزرگ، نتوانست بر رکود طولانی غلبه کند. پس رژیم نئولیبرالی انباشت خصوصی سازی، مقررات زدایی، کاهش رفاه، دستمزدها و مزایا، و جهانی شدن دیگر کارساز نیست.

این اقدامات در بهترین حالت رشد کند «بطی» را در دهه گذشته بازگرداند، فقط برای اینکه شاهد افت اقتصاد جهانی قبل از اینکه همه گیری «پاندمی» آن را به عمیق ترین بحران در تاریخ مدرن ببرد، وارد رکود شد. در حالی که بسته های محرک عظیم بسیاری از جهان سرمایه داری پیشرفته را از این رکود خارج کرده است، آنها تنها توانسته اند یک بهبود ضعیف با ویژگی های رکود تورمی ایجاد کنند که از دهه 1970 مشا هده نشده است.

در واقع، مداخله دولت در اقتصاد باعث تعمیق نابرابری طبقاتی و اجتماعی در سراسر جهان شده است. امروزه یک درصد ثروتمندترین جهان دو برابر 6.9 میلیارد نفر ثروت دارند. در ایالات متحده، سه فرد ثروتمند دارای ثروتی برابر با 160 میلیون نفر پابین هستند. شرایط بد برای همه کارگران حتی برای رنگین پوستان، مهاجران، زنان و دیگر گروه های تحت ستم بدتر است.

لوايح زیرساختی **کینزی** پرزیدنت **جو بایدن** کمک چندانی به بهبود این نابرابری ها نخواهد کرد و مطمئناً باعث گسترش قوی جدید نخواهد شد. افسردگی طولانی مدت هیچ نشانی از پایان ندارد.

بحران و رقابت امپراتوری:

این رکود باعث ایجاد یک بحران در نظم امپریالیستی شده است، دومین بحران بزرگی که ما با آن روبرو هستیم. از زمان پایان جنگ سرد، ایالات متحده جهان تک قطبی را به عنوان تنها ابرقدرت تحت نظارت قرار داد. امیدوار بود که همه کشورهای جهان را در رژیم نئولیبرال جهانی شدن تجارت آزاد خود بگنجانند.

سه تحول به این نظم پایان داد - «1» شکست ایالات متحده در عراق و افغانستان؛ «2» افسردگی یا رکود طولانی مدت؛ و «3» ظهور مراکز جدید انباشت سرمایه، از همه مهمتر **چین**. در نتیجه این موارد، ایالات متحده دچار افول نسبی امپریالیستی شده است و اشنگتن البته همچنان هژمون جهان است، اما اکنون با یک رقیب قدرتمند بزرگ در چین، دیگری در روسیه و به انبوهی از قدرت‌های منطقه‌ای مواجه است که همگی به طور فزاینده‌ای بر منافع خود تاکید دارند. بنابراین ما وارد نظم جهانی چند قطبی نامتقارن جدیدی شده ایم.

در این وضعیت جدید و ناپایدار، درگیری‌ها بین دولت‌ها در حال افزایش است و تلاش‌ها برای هماهنگ کردن سیاست‌های جهانی در مورد همه چیز از تغییرات آب و هوایی گرفته تا همه‌گیری «پاندمیک ناشی از کوید 19» را به خطر می‌اندازد. این درگیری‌ها، به ویژه بین ایالات متحده و چین، در مرکز سیاست جهانی و ملی خواهد بود.



پوستری از راهپیمایی "جمعه برای آینده" در میلان، ایتالیا، اکتبر 2021. عکس

از Mænsard Vokser

فاجعه آب و هوایی

سومین بحران بزرگ عصر ما تغییرات آب و هوایی است. همانطور که همه ما می دانیم، ریشه در انگیزه رقابتی سرمایه داری برای سود و رشد، صرف نظر از تأثیر اجتماعی و زیست محیطی آنها دارد.

تعهد همه کشورهای جهان به تضمین حاکمیت و گسترش سرمایه تضمین می کند که آنها برای جلوگیری از گرمايش جهانی کاری انجام ندهند. و درگیری های بین قدرت های بزرگ به ویژه آمریکا و چین مانع از هرگونه توافق بین المللی معنا دار و به ویژه اجرای آن خواهد شد. بنا براین، در بهترین حالت، شیرین کاری های تبلیغاتی شیک مانند COP26(out) را دریافت خواهیم کرد، که صرفاً با تعهد به محدود کردن گازهای گلخانه ای تا فلان تا ریخ در آینده ای دور پایان می یابد. البته اینها هم در سیاست و هم در عمل به سرعت نقض می شوند.

همانطور که **گرتا تونبرگ** در یک گردهمایی گسترده علیه اجلاس سران آلاینده ها در گلاسکو اعلام کرد، "این COP26 تا کنون درست مانند COP های قبلی است - و این ما را به جایی نرسانده است. در داخل COP یا «به دست اوران»، فقط سیاستمداران و افرادی در قدرت هستند که وانمود می کنند که آینده ما را جدی می گیرند. تغییر از درون آنجا نمی آید، این رهبری نیست. این رهبری است، رهبری به این شکل است.»

در حالی که رهبران این ایالت ها، که عمدتاً مسئول بحران هستند، درگیر آنچه **تونبرگ** به درستی «بله، بلا، بلا» می نامد، درگیر شدن، فاجعه آب و هوایی با شدت فزاینده چند برابر می شوند - طوفان های مرگبار، نوب شدن کلاهک های قطبی، بالا آمدن دریاها، بیابان زایی بخش های کامل کشورها و نابودی سیستم های کشاورزی. اینها جوامع را مختل می کند، به ویژه جوامعی در جنوب جهانی، که بزرگترین قربانیان تغییرات آب و هوایی هستند، در حالی که کمترین مسئولیت را در ایجاد آن دارند.

مهاجرت دسته جمعی و حکومت های مرزی

تغییرات آب و هوایی چهارمین بحران بزرگ عصر ما - مهاجرت - را تشدید خواهد کرد. در حال حاضر بیش از 281 میلیون مهاجر کشور خود را ترک کرده اند که بالاترین رقم در تاریخ جهان است. این مهاجرت ناشی از مشکلات فزاینده ای است که مردم با آن روبرو هستند - بیکاری ناشی از رکود طولانی مدت، جنگ بین دولت ها، جنگ های داخلی، سرکوب ضدانقلاب توسط رژیم های استبدادی، قربانی شدن گروه های تحت ستم نژادی، و فاجعه آب و هوایی.

همه کشورهای جهان با ایجاد رژیم های مرزی عظیم به این بحران واکنش نشان داده اند. همانطور که **هارشا ولیا** در کتاب مرز و حکومت خود بیان می کند، این رژیم ها دو کارکرد دارند. یکی، تنظیم و تا حدی مسدود کردن مهاجرت. و دوم، جرم انگاری کسانی که از رژیم مرزی فرار می کنند به عنوان نیروی کار ارزان و اغلب نژادپرستانه.

حتی زمانی که این مهاجران به ویژه برای اقتصادهای سرمایه داری پیشرفته تبدیل شده اند، و در واقع «ضروری» شده اند، طبقات حاکم و احزاب مستقر از آنها به عنوان قربانی استفاده کرده اند تا سرزنش سیستم خود را به سمت قربانیان منحرف کنند. اما این

مهاجران، درست مانند گذشته، نقشی محوری در بازسازی مبارزات طبقاتی و اجتماعی به ویژه در ایالات متحده خواهند داشت.

سرمایه داری جهانی، در دوره ای از «پاندیمیک» همه گیری ها

بحران نهایی البته همه گیری است. کووید یک بحران تصادفی نیست که توسط طبیعت خارج از سرمایه داری ایجاد شده باشد، بلکه کاملاً نتیجه تجاوز جهانی آن به اکوسیستم‌های جدا شده قبلی است.

این باعث شده تا ویروس‌ها از حیوانات، به ویژه خفاش‌ها، به انسان بپرند - چیزی که اپیدمیولوژیست‌ها آن را "سرریز زئونوز" می‌نامند. و به جای گسترش آهسته، همانطور که ممکن است در اشکال قدیمی تر سرمایه‌داری و شیوه‌های تولید قبلی رخ دهد، اکنون اپیدمی‌ها سوار بر هواپیماها، قطارها، کامیون‌ها و کشتی‌های زنجیره‌های عرضه جهانی به موقع جهان هستند تا به سرعت به جمعیت کره زمین سرایت کنند.

بنابراین، سرمایه داری جهانی یک دوره همه گیر ایجاد کرده است. حداقل برای چند دهه، نویسندگان می‌مانند مایک دیویس و راب والاس، و همچنین اپیدمیولوژیست‌های جریان اصلی، در مورد این خطر قریب الوقوع به ما هشدار داده‌اند. از قبل با آنفولانزای مرغی، ابولا، مرس، سارس، و سایرین پیش بینی شده بود. بنا بر این احتمالاً کووید اولین مورد از همه گیرهای بیشتر آینده خواهد بود.

دولت‌های امپریالیستی و شرکت‌ها ایشان به‌جای سا زمان‌دهی پاسخی هماهنگ به این وضعیت اضطراری بهداشتی، به طور سیستماتیک مانع آن شده‌اند و سود و رشد اقتصاد ملی خود را در اولویت قرار داده‌اند، زندگی کارگران را در درجه دوم، و مردم جنوب جهانی را در مرحله آخر قرار داده‌اند. در تمام آن بخش از جهان، آنها آپارتاید همه‌گیر را تحمیل کرده‌اند - واکسن‌های احتکار، از اشتراک گذاری فناوری به‌گونه‌ای که ایالت‌ها بتوانند جمعیت خود را تلقیح کنند، امتناع می‌کنند، و در نتیجه بیشتر جهان را کاملاً در برابر کووید محافظت نمی‌کنند. سرمایه داری به معنای واقعی کلمه تهدیدی برای سلامت جهانی ما و خود زندگی انسان است.

موج تاریخی مبارزه

امید در میان این دوران وحشت و بحران، امواج عظیم مبارزه است که از رکود اقتصادی سال 2008 شاهد آن بوده ایم. همه ما رویدادهای سیگنال آن را از بهار عربی تا اشغال، زندگی سیاه پوستان که مهم است، اعتصابات در اروپا، اعتصابات آب و هوایی، اعتصابات زنان، بهار آمریکای لاتین، شورش‌ها در سراسر آسیا و سودان امروز می‌دانیم.

در عین حال، ما شاهد رشد هر دو حزب راست گرا بوده ایم که برخی از آنها به قدرت دولتی انتخاب شده‌اند یا آنها را به دست گرفته‌اند، و تظاهرات‌های توده‌ای ارتجاعی مانند اعتراض‌های ارتجاعی در شارلوتزویل، ویرجینیا، و واشنگتن دی سی، در ۶ ژانویه 2021. کتاب جدید اعتراض جهانی: یکی از مسائل کلیدی اعتراض در

قرن بیست و یکم این دوران مبارزه را خلاصه می کند :

مواقعی در تاریخ وجود دارد که تعداد زیادی از مردم درباره وضعیت موجود اعتراض می کنند و خواستار تغییر هستند. این اتفاق در سال های (1830-1848)، در سال های (1917-1924)، در دهه 1960 رخ داد و امروز نیز دوباره تکرار می شود. طی دوره (2006-2020)، جهان برخی از بزرگترین اعتراضات تاریخ خود را تجربه کرده است. اکثریت قریب به اتفاق اعتراضات بزرگ مربوط به مسائل / مطالبات مترقی مانند: مشاغل بیشتر و بهتر، دستمزدها و حقوق بازنشستگی. سرمایه گذاری در بهداشت، آموزش و خدمات عمومی؛ حمایت از کشتا و زنان؛ اقدام برای تغییر اقلیم؛ عدالت نژادی؛ زنان و حقوق شهروندی؛ علیه کاهش ریاضت اقتصادی، فساد و نابرابری. با این حال، تعدادی از اعتراضات توسط گروه های راست رادیکال رهبری می شود مانند: اعتراضات QAnon در سال 2020 در ایالات متحده و در سطح جهان. مخالفت با مسلمانان، مهاجران و پناهندگان در آلمان؛ تظاهرکنندگان در فرانسه به ازدواج همجنس گرایان در سال (2012) اعتراض کردند. و اعتراضات گسترده علیه رئیس جمهور دیلما روسف، لولا و حزب کارگران در برزیل در سال های [2013 و 2015].

شورش های طرف ما با چالش های جدی روبرو هستند که به خوبی در کتاب جدید تمرین های انقلابی در عصر نئولیبرال ثبت شده است. نئولیبرالیسم اقتصاد جهانی و ملی را با زسازی کرده و سازمان های طبقاتی و اجتماعی ما را مختل کرده است. احزاب سوسیال دمکرات اکثراً با نئولیبرالیسم سازگار شده اند یا حتی آن را پذیرفته اند. چپ انقلابی دچار بحران شده است. اما این امواج جدید امید مبارزه را برای با زسازی سازمان طبقاتی و اجتماعی، چپ و احزاب جدید ایجاد می کند.

قطبی شدن شدید سیاسی

هیچ تضمینی وجود ندارد که این شورش ها به سمت چپ سرازیر شود. آنها به همین راحتی می توانند به سمت راست جریان پیدا کنند. هر دو می توانند از بحران مشروعیت احزاب مستقر در میان شکست پروژه نئولیبرالی خود بهره ببرند.

بنا بر این ما شاهد دو قطبی شدن سیاسی گسترده در سراسر جهان هستیم **دونالد ترامپ، ژاير بولسونارو، نارندرا مودی** و بسیاری دیگر نشانه های هستند که نشان می دهد بخشی از تشکیلات می تواند خرده بورژوازی و بخش هایی از طبقات کارگر را حول برنامه **سادوپوپولیسم**، شلاق زدن به نژادپرستی و هدف قرار دادن گروه های تحت ستم، به ویژه مهاجران، تحریک کند. این رژیم ها می توانند به **انکوبا تور** جنبش ها و سازمان های فاشیستی جدید در سراسر جهان تبدیل شوند. راست افراطی امروز یک خطر آشکار و موجود است.

در عین حال، بحران ها، مبارزه و دو قطبی شدن فضای جدیدی را برای چپ باز می کند. همان طور که در مورد جزر و مد صورتی در آمریکای لاتین می بینیم، می توان آن را با اصلاح طلبی چپ پر کرد. اما چنین پروژه هایی با دیوارهای آجری مهار دولت سرمایه داری، فشا رهای سرمایه داری جهانی و ضدانقلاب طبقات حاکم داخلی و همچنین قدرت های منطقه ای و امپریالیستی مواجه خواهند شد.

چالش چپ انقلابی کوچک در ایالات متحده - و در سطح جهانی - با زسازی خود از طریق مبارزات و همه بحث‌های ایدئولوژیک، استراتژیک و تاکتیکی است که ایجاد خواهد کرد. وظیفه ماساده اما بسیار دشوار است: ایجاد یک قطب انقلابی در رادیکالیزه شدن کمک به ایجاد مبارزات از پایین؛ ایفای نقش در انسجام یک اقلیت مبارز جدید. با زسازی زیرساخت‌های مقاومت ما؛ ساخت تشکیلات چپ گسترده‌تر؛ و سازمان انقلابی منسجم.

ما به یک تناسب جدید برای کمک به رهبری شورش‌ها در میان این دوران بحران برای پیروزی اصلاحات در مسیر انقلاب سوسیالیستی نیاز داریم.

چند سطر در مورد نویسنده این مقاله:

اشلی اسمیت نویسنده و فعال سوسیالیست در برلینگتون، ورمونت است. او برای نشریات مختلفی از جمله *Harper's*، *Truthout*، *New Jacobin* و *Politics* نوشته است.

_____ **با تقدیم احترامات** «2021-11-25»